

## سهم‌بری نیروی کار در مکاتب اقتصادی با تأکید بر نظریات اقتصادی آیت‌الله موسوی اردبیلی

ابوالفضل پاسبانی صومعه\*

سید ضیاءالدین کیاالحسینی\*\*

DOI : 10.22096/esp.2024.521007.1453

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷]

### چکیده

سهم نیروی کار از موضوعات مهم مکاتب اقتصادی است. مکتب کلاسیک، تعیین دستمزد را به نظام بازار می‌سپارد. بر اساس قواعد بازار، عرضه نامحدود نیروی کار، مزد رقابتی حداقلی (مزد آهنبین) سبب گسترش تضاد میان کارگر و کارفرما، اتلاف منابع و پیامدهای منفی اقتصادی و اجتماعی در قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم گردید. یکی از نتایج آن ظهور مکتب مارکسیسم بود که تمام ارزش تولید را به نیروی کار اختصاص می‌دهد. هدف این مقاله تعیین سهم نیروی کار بر اساس آموزه‌های اسلامی با تأکید بر نظریات آیت‌الله موسوی اردبیلی، با استفاده از روش تحلیل محتواست. بر اساس یافته‌ها در اسلام، مزد بر اساس تحقق انصاف و از راه تعاون و همکاری و نه ستیزه و عداوت، تعیین می‌شود؛ همچنین آیت‌الله موسوی اردبیلی در تعیین مزد، ارزش و قیمت را به دو گونه قیمت طبیعی و قیمت جاری تقسیم نموده و سه عامل عادلانه‌نبودن مزد، استثمار مصرف‌کننده و وجود ماشین را سبب ارزش مازاد کالاها دانسته و تعلق کل ارزش افزوده به نیروی کار یا صاحب سرمایه را نه از نظر شرعی و نه از نظر اقتصادی قابل توجیه نمی‌داند. حرمت اخلاص نظام اجتماعی و اقتصادی و استثمار و دوقطبی شدن و اکل مال به باطل به همراه وجوب عدالت همه‌جانبه، اصول اساسی در تعیین سهم عوامل تولید و تعیین ارزش کالا به نظر ایشان هستند.

**واژگان کلیدی:** سهم نیروی کار؛ مزد منصفانه؛ عدالت اقتصادی؛ نظام بازار؛ مارکسیسم؛ اقتصاد اسلامی؛ موسوی اردبیلی.

**طبقه‌بندی موضوعی:** B12, B14, D46, D63, J31, P12.

Email: a.pasebanism@gmail.com

\* استادیار، جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

\*\* استادیار، دپارتمان اقتصاد، دانشگاه مفید، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Kiaalhoseini@mofidu.ac.ir



## ۱. مقدمه<sup>۱</sup>

یکی از مباحث کلیدی مکاتب مختلف اقتصادی در خصوص منافع تولید، تعیین سهم هر یک از عوامل تولید بالاخص نیروی کار است؛ به نحوی که از دوران تأسیس دانش اقتصاد، این موضوع از مباحث کانونی آن بوده و عمده محققان انسجام در مکاتب اقتصادی را در اتقان این موضوع جست‌وجو می‌کنند. مکتب سرمایه‌داری بر تعیین مزد نیروی کار و دیگر عوامل تولید از طریق قواعد بازار تأکید دارد؛ اما ناعادلانه بودن توزیع بر اساس دست نامرئی، سبب بروز بحران‌های اجتماعی بزرگی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم شد و باعث شکل‌گیری مکتب مارکسیسم گردید که اساس توزیع را با محوریت عدالت، نیروی کار و زمان صرف‌شده از جانب آن برای تولید کالا می‌داند. ظهور مکتب مارکسیسم نشان‌دهنده نقش هنجارها و ارزش‌ها در این مهم است که قلمرو بحث را فراتر از اقتصاد اثباتی برده و شاید بتوان ادعا کرد که نقش اقتصاد هنجاری و حتی تعالیم و آموزه‌های مکتبی، حقوقی و انسان‌شناختی در این قلمرو بیشتر از اقتصاد اثباتی است؛ اما نهادگرایان قدیمی مثل هاجسون<sup>۲</sup> قیمت‌ها را اعم از قیمت کالاها و خدمات یا نهاده‌های تولیدی و مزدها، متأثر از رسوم و عرف اجتماعی<sup>۳</sup> دانسته که به واسطه عادات تقویت می‌شود و در درون نهادهایی خاص جای می‌گیرد و با نفوذ گروه‌ها در دولت‌ها و نفوذ طبقه مرفه در شکل‌دهی نهادها، مزدها نابرابرتر تنظیم می‌شوند.<sup>۴</sup> این نوع پرداخت‌ها، منجر به گسترش شکاف‌های اجتماعی و افزایش احتمال ظهور تغییرات سیاسی و انحطاط اجتماعی می‌گردد.

به دلیل تأثیر هنجارها و ارزش‌ها بر تعیین سهم عوامل تولید، این مسئله از دیرباز مورد توجه متفکران مسلمان (اعم از اقتصاددانان یا غیر آنان) بوده است. مقاله حاضر در نظر دارد تا در ابتدا به صورتی مختصر، سهم‌بری نیروی کار را بر اساس نظریات دو مکتب متعارف سرمایه‌داری و مارکسیسم بررسی کند؛ سپس با توجه به نقش تعالیم و آموزه‌های مکتبی، حقوقی و ارزشی در این قلمرو و با استفاده از روش تحلیل محتوا در تلاش است تا بر اساس تعالیم و آموزه‌های دین اسلام، چهارچوب و قواعد سهم نیروی کار را مورد تحلیل قرار داده و در نهایت با الگو قرار دادن آموزه‌های اسلام، نظریات اقتصادی آیت‌الله‌العظمی سید

۱. گرترازو را طمع بودی به مال

راست کی گفתי ترازو وصف حال (مثنوی معنوی)

2. Hodgson, 1998.

3. Social Convention.

4. Hodgson Geoffrey M., "The Approach of Institutional Economics," *Journal of Economic Literature* 36, no. 1 (Mar, 1998): 166-192.

عبدالکریم موسوی اردبیلی (ره) در این مورد را تحلیل می‌کند. مطالعه سیره علمی و عملی آن فقیه آگاه به زمان، گواه این مهم است که این موضوع نه تنها از دغدغه‌های علمی او، بلکه از دل مشغولی‌های سراسر عمر بابرکت ایشان بوده است. از این رو، موازی با فعالیت‌های علمی در دو عرصه حوزوی و علوم اجتماعی، به فعالیت‌های اقتصادی در دهه ۱۳۴۰ در شهر اردبیل و بعداً در تهران با هدف اشتغال برای طبقه فرودست پرداخت که این گواه بر حساسیت ایشان به مباحث اقتصادی به‌ویژه توزیع درآمد بود. مقاله حاضر در بخش‌های زیر سامان‌دهی شده است؛ در بخش دوم مروری بر روابط کارگر و کارفرما و سهم نیروی کار در دوران برده‌داری و فئودالیت و دو مکتب عمده اقتصادی (سرمایه‌داری و مارکسیسم) داشته و در این راستا تعیین مزد بر اساس قواعد بازار و تعیین آن بر اساس نظریه مارکسیسم - سوسیالیسم بحث و بررسی می‌گردد. بخش سوم به اهمیت کار و مزد و تحلیل قواعد حاکم بر آن بر اساس آموزه‌های اسلامی اختصاص داشته و محور اصلی مقاله، یعنی آراء اقتصادی آیت‌الله موسوی اردبیلی (ره) در خصوص سهم‌بری عوامل تولید در بخش چهارم بررسی و مطرح می‌گردد و در نهایت نتیجه‌گیری مقاله در بخش پنجم بیان می‌گردد.

## ۲. پیشینه و ادبیات موضوع

سهم‌بری عوامل تولید بالاخص نیروی کار، عمری به اندازه تشکیل جوامع بشری دارد به نحوی که بخشی از منازعات اجتماعی و اقتصادی، بلکه سیاسی ریشه در این موضوع دارد که در این مقاله به نحو اجمالی به تبیین و تحلیل آن می‌پردازیم.

### ۲-۱. دوران برده‌داری و فئودالیت

روابط اقتصادی در آن عصر را نمی‌توان بر اساس قواعد دانش اقتصادی نوین تبیین کرد، ولی نوعی عقلانیت مقید به سلسله‌مراتب اجتماعی در روابط بین کارگر و کارفرما حاکم بود. در این دوره برده در مزرعه کار کرده و خانواده‌اش در خانه ارباب، نوکری برده‌دار و خانواده‌اش را می‌کردند در عوض ارباب هم به میزان دلخواه یا بر اساس اخلاق یا انصاف، خرج او را تأمین می‌کرد. مزد در این دوره، تأمین خدمات اساسی برده بود تا توان کار برایش باقی بماند و حق سؤال درباره میزان مزد را نداشت.<sup>۵</sup> از طرف دیگر، مالکان نیز با اعطای بعضی حقوق به برده‌ها- در برابر خدماتی که از نظر مالکان با ارزش‌تر بود- بر ارزش‌داری‌های خود می‌افزودند. در واقع مالکیت بردگان بر توانایی کارشان، صلاح‌دید بودن میزان تلاش آنها بود

۵. منسر اولسن، دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی، ترجمه حسین راغفر (تهران: انتشارات نقش و نگار، ۱۳۸۲)، ۱۴۲.

که خرید آزادی را ممکن می‌نمود.<sup>۶</sup>

در دوران فئودالیت، به واسطه مشارکت در محصول، وضع کارگران از جهت سهم‌بری بهتر شد. اتکای آنها تنها بر مزد فعالیتشان نبوده و در مواقع ضروری مورد حمایت ارباب قرار داشتند؛ همچنین ارباب انگیزه اصلاح کاستی‌ها و ازکارافتادگی و امثال آن را داشته و انگیزه وضع قیمت انحصاری بر مزد کارگر را نیز داشت.<sup>۷</sup> رعیت نیز به ازای کار انجام‌شده، بخشی از محصول را مالک می‌شد که خود نوعی حرکت به سوی عدالت توزیعی بود. البته هنوز انسان‌ها در انتخاب‌های خود آزادی زیادی نداشته و عواطف و ترس باعث می‌شد تا رعیت بکوشد ارباب را راضی نگه دارد،<sup>۸</sup> زیرا عنصر کلیدی آن دو نظام فئودالیت و بورژوائی، زمین و ماشین بود.<sup>۹</sup>

اما در قرون وسطی و با توصیه کلیسا، مزد عادلانه با توجه به اصول اخلاقی اسکولاستیک و با هدف تأمین زندگی متعارف مزدبگیران تعیین می‌شد. این تعریف در کنار دیگر تعلیمات مکتبی، سبب شد تا در این دوران، تضاد طبقاتی میان کارفرما و کارگر کاهش یابد؛<sup>۱۰</sup> ولی این اعتقاد عمومی بود که نوعی قانون الهی و اخلاقی و همین‌طور عینی بر روابط اقتصادی حکم فرماید. توماس آکوئیناس<sup>۱۱</sup> معتقد بود دریافتی کارگر در قبال عرضه کار باید امکانات لازم برای زندگی او و خانواده‌اش را به‌طور شایسته تأمین نماید و شرایط کار نیز باید انسانی باشد و انسانیت او مورد توجه قرار گیرد.<sup>۱۲</sup> در این دوران تجربه نوآباد اشتراکی، گرایش به تجلیل از کار با تقسیم و تشریک کار داشته و سخت‌ترین کار را تعالی‌بخش‌ترین به لحاظ روحی و اجتماعی می‌دانستند. واعظان پیوریتان<sup>۱۳</sup> می‌گفتند، در درگاه خدا همه مشاغل و کارهای مفید، برابرند. این تعالیم سبب شد تا در قرون بعدی به مزدی منصفانه بذل توجه بیشتری شود.<sup>۱۴</sup>

## ۲-۲. در مکتب سرمایه‌داری

سازماندهی بازار کار در هر مکتبی، سلیقه‌های مردم را متأثر می‌سازد. سوسیالیست‌ها معتقدند

۶. داگلاس سی. نورث، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه محمدرضا معینی (تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۵)، ۶۲-۶۳.

۷. اولسن، دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی، ۱۴۳.

۸. سید علی‌اکبر رزمی، مقدمه‌ای بر نظام‌های اقتصادی (مشهد: به نشر، ۱۳۸۷)، ۱۰-۱۱.

۹. تارو لستر، آینده سرمایه‌داری، ترجمه عزیز کیاوند (تهران: دیدار، ۱۳۷۶)، ۲۷.

۱۰. حسین نمازی، نظام‌های اقتصادی (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷)، ۴۷.

11. Thomas Aquinas (1225-1274).

۱۲. محمدحسین تمدن جهرمی، درسنامه تاریخ عقاید اقتصادی (تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۶۲).

۱۳. فرقه مسیحی پاک‌دینان که در قرون شانزدهم و هفدهم پا گرفت.

۱۴. مایکل والزر، حوزه‌های عدالت، ترجمه صالح نجفی (تهران: ثالث، ۱۳۸۹)، ۲۸۸-۲۸۹.

سهم‌بری نیروی کار در مکاتب اقتصادی با تأکید بر ... / پاسبانی صومعه و کیا‌الحسینی ۱۱

که پرورش مردم با ایده برادری، سبب کسب رضایت‌مندی بیشتری از رفاه می‌شود. در نقطه مقابل، لیبرال‌ها مدعی بودند که مردم از تخصیص نهاده‌ها توسط نیروهای بازار نسبت به موقعیتی که این امر با اعمال قدرت سیاسی و قدرت مرکزی انجام می‌پذیرد، خوشحال‌تر هستند.<sup>۱۵</sup> به نظر، هر دو ادعا با این شرط که هر دو تحلیل در یک بسته سازگار قرار گیرند، ممکن خواهد بود؛ مضافاً اینکه در نظریه‌پردازی‌های مختلف در علوم اجتماعی، نفوذ سنن علم و جنبه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، محیط زیستی و همچنین خُلقیات ویژه شخصی محقق مؤثرند.<sup>۱۶</sup>

مکتب سرمایه‌داری بر تعیین مزد نیروی کار و دیگر عوامل تولید از طریق قواعد بازار تأکید دارد. بر این اساس کارفرمایان در فرآیند حداکثرسازی سود خود، سهم عوامل تولید را در تساوی ارزش بهره‌وری عامل با مزد پرداختی جست‌وجو می‌کنند، اما این نظریه پردازی متکی بر ریاضیات و نهایی‌گرایی در عرصه نظری و عملی با مشکلات و انتقادات جدی مواجه شد. مثلاً، در صورت عرضه با کشش بی‌نهایت نیروی کار، اقتصاد بازار کار با وضعیت حداقل دستمزد ممکن مواجه خواهد شد. قانون دستمزد آهنین که توسط لاسال<sup>۱۷</sup> ارائه گردید، بیانگر وضعیتی است که مزد در کوتاه‌مدت امکان افزایش داشته، ولی در طولانی‌مدت به سطح حداقل معاش بازمی‌گردد.<sup>۱۸</sup> در این شرایط کارفرما مزد را آنقدری تعیین می‌کند که کارگر در روزهای بعد بر سر کار حاضر شود و مزد بیشتر یا سبب احساس بی‌نیازی و کاهش کیفیت کار می‌گردد یا سبب پس‌انداز درآمد و کاهش عرضه نیروی کار می‌گردد و بالمآل نظام طبقاتی با مشکل مواجه می‌شود.<sup>۱۹</sup> به عقیده مالتوس مزد در سطح حداقل معیشت که نتیجه تعادل عرضه و تقاضا است، عادلانه بوده و هرگونه دخالت دولت وضع را بدتر می‌کند. این عقیده منطبق بر نظر اقتصاددانان نئوکلاسیک است که بیکاری را نتیجه مزدی می‌دانند که کارگران، فراتر از قدرت بازار طلب می‌کنند. در این نگاه بیکاری زمانی حل می‌شود که بیکاران از مزد موردنظرشان بکاهند.<sup>۲۰</sup> نوید این آینده قهقرایی درباره مزد کارگر، باعث نامیدن

15. Richard Layard and Alan Arthur Walters, *Microeconomics Theory* (New York: McGraw-Hill, 1987), 29.

۱۶. گونارل میردال، عینیت در پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه مجید روشنگر (تهران: مروارید، ۱۳۸۲)، ۷-۵۵. مثلاً، رویش نظریات اقتصادی در انگلستان، به وسیله طبقه ثروتمندتری بود که نبض اقتصاد را نیز در دست داشت و طبیعتاً روش‌های استدلال نیز از طرف این طبقه انتخاب می‌شد که نمونه بارز آن، عدم کاربرد وسیع واژه «بیکاری» تا اواخر قرن ۱۹ با وجود میزان غالباً بسیار بالای آن بود.

17. Lassalle.

۱۸. رونالد میک، پژوهشی در نظریه ارزش-کار، ترجمه محمدرضا سوداگر (تهران: بدیهه، ۱۳۸۳)، ۳۲۶.

۱۹. رزمی، مقدمه‌ای بر نظام‌های اقتصادی، ۱۰۷.

۲۰. یدالله دادگر، تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی (قم: انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۳)، ۲۵۴.

اقتصاد به علم شوم<sup>۲۱</sup> گردید.<sup>۲۲</sup>

کارل رُدبرتوس<sup>۲۳</sup> نشان داد که سهم مزد نسبت به کل سهم عوامل تولید در حال کاهش است که به آن قانون کاهش نسبت مزد گویند که مجدداً در قرن حاضر توسط پیکتی مورد توجه قرار گرفت؛ زیرا با پیشرفت تکنولوژی، تولید نهایی سرمایه در حال افزایش بوده و به دلیل مازاد عرضه نیروی کار، مزد در حال کاهش است.<sup>۲۴</sup> البته افرادی مانند سیسموندی عدم اشتغال را یک واقعیت اجتماعی دانستند<sup>۲۵</sup> و نگرش‌هایی از نوع مالتوس را پاک کردن صورت مسئله تفسیر کردند. بنابراین، قانون طبیعی، ایجاد مشاغل به سبب کاهش مزدها را هدف انتقاد قرار دادند.<sup>۲۶</sup> به علاوه از آنجا که مالکیت، سبب تشکیل نوعی «حکومت خصوصی» برای صاحبان سرمایه می‌شود، کارگران مجبور به تبعیت خواهند بود. تاوانی در این باره در سال ۱۹۱۲ می‌گوید: «آدمی که استخدام می‌کند، عملاً بر همه کسانی که به استخدام درمی‌آیند، حکومت می‌کند. او نه در حد قانون «گودال و دار»،<sup>۲۷</sup> بلکه در مورد اضافه‌کاری و کار نیمه‌وقت، سیری، گرسنگی، سلامت و بیماری، ارتقا و شکوفایی استعدادها و کارگران قدرت دارد.<sup>۲۸</sup>

اما کینز معتقد بود فقدان عدالت حداقلی در نظام اقتصادی، سبب به هم ریختگی اجتماعی شده و از کارفرما و کارگر چیزی باقی نمی‌ماند. از این رو، ضروری است اقدامات عدالت‌گستری (مثل حداقل مزد، بیمه بیکاری و امثال آن) جزء ساختار و سرشت نظام اقتصادی گردد. بنابراین، علیرغم سلطه نظریه توزیع درآمد بر اساس قیمت‌گذاری عوامل تولید، منتقدان اقتصاد سنتی موضوعاتی مثل اتحادیه‌ها، ساختار قدرت شرکت‌ها و اعمال سیاست‌های قیمتی و درآمدی و اعمال قدرت دولت در تعیین قیمت و مزد را با مسائل توزیع درآمد مرتبط می‌دانند؛ زیرا در چهارچوب تحلیل بازاری این مهم مورد مغفول‌عنه واقع شد که با کاهش مزد به سطح حداقل معیشت، کارگران برای کسب آن و تأمین نیازشان مجبور به عرضه بیشتر کار هستند. در این راستا دولت‌ها به تدریج در تعیین مزد، مداخله نمودند. مثلاً،

21. Dismal Science.

22. ردان بلانت و مارک جکسون، *اقتصاد کار و نیروی انسانی*، ترجمه محسن رنانی (تهران: انتشارات فلاح، ۱۳۷۳)، ۷۲.

23. Karl Rodbertus (1805-1875).

24. نمازی، *نظام‌های اقتصادی*، ۷۹.

25. غلام‌عباس توسلی، *جامعه‌شناسی کار و شغل* (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۵)، ۱۸۹.

26. عزت‌الله عراقی، *دوره حقوق کار*، جلد ۱ (تهران: دانشگاه ملی ایران، ۱۳۸۷)، ۳-۱۲۲.

27. قاعده گودال و دار (Pit and Gallows) از حقوق مخوف بارون‌های اسکاتلندی در ایام قدیم بود که به سبب آن یک بارون در املاک و زمین‌هایش گودالی برای زنده به گور کردن زنان متهم به سرقت و چوبه داری برای اعدام مردان محکوم به دزدی داشت.

28. والزر، *حوزه‌های عدالت*، ۸-۴۸۶.

سهم‌بری نیروی کار در مکاتب اقتصادی با تأکید بر ... / پاسبانی صومعه و کیا الحسینی ۱۳

در سطح بین‌الملل مقرر شد تا مزد، متناسب با کار باشد و برای دو کار مساوی، مزد یکسان پرداخت گردیده و اختلافات نژادی، مذهبی و جنسیتی سبب تبعیض نگردد.<sup>۲۹</sup>

## ۲-۳. در مکتب مارکسیسم - سوسیالیسم

مارکس بر اساس نظریه «ارزش کار»، معتقد بود که کار یگانه جوهر ارزش‌ها و وجه مشترک کالاها و دارایی‌هاست. پس این ارزش ایجاد شده باید به تولیدکننده حقیقی آن (در مرحله سوسیالیسم) یا به نیازمند (در مرحله کمونیسم)<sup>۳۰</sup> برسد؛<sup>۳۱</sup> اما خالق ارزش (کارگر) به دلیل عدم مالکیت بر ابزار تولید در نظام سرمایه‌داری، نیروی کار خود را در اختیار کارفرما قرار داده و تنها مزد دریافت می‌کند. ولی در سرمایه‌داری، پرولتر<sup>۳۲</sup> (طبقه کارگر روزمزد) - علی‌رغم ایجاد ارزش اضافی - با اخذ حداقل مزد به ازای عرضه کار، سهمی از آن نبرده و از مالکیت ابزار تولید بی‌بهره باقی می‌ماند.<sup>۳۳</sup> این نوع قرائت از نظریه سنتی ارزش، سبب تشدید واکنش علیه نظریه ریکاردو گردید؛<sup>۳۴</sup> اما وبر معتقد بود که مالکیت در نظام سرمایه‌داری صنعتی، مستلزم آن است که کارگران نباید مالک ابزار تولید، مواد خام و... باشند تا کارفرمایان در اخذ تصمیمات مدیریتی و افزایش کارایی و اعمال مقررات انضباطی در مورد کارگران، محدود نشوند.<sup>۳۵</sup>

حتی اگر سهمی از ارزش تولید برای تأمین مجدد ابزار تولید یا گسترش تولید یا تأمین صندوقی برای مقابله با بلایای طبیعی و مخارج بخش عمومی یا سهم مدیریت در نظر گرفته شود، همچنان مارکس معتقد بود که این مزد پرداختی همواره کمتر از ارزش تولیدی کار بوده و مابه‌التفاوت (ارزش اضافی)<sup>۳۶</sup> به صاحبان سرمایه اختصاص یافته<sup>۳۷</sup> و دریافتی صاحبان سرمایه، معادل ارزش فروش کالاهایی است که نیروی کار انسانی تبلور آن است (آدام اسمیت

۲۹. مثلاً، مقاله نامه شماره ۱۰۰ مصوب ۱۹۵۱ کنفرانس بین‌المللی کار، اصل تساوی مزد بین زن و مرد را مقرر داشت.

۳۰. وقتی نظریه ارزش کار به مثابه اصلی برای تعیین پاداش عادلانه در نظر گرفته می‌شود، در قرائت‌های اصلاح‌شده نشان خواهد داد که عدالت نمی‌تواند برای افراد وجود داشته باشد، مگر اینکه ادعای آنها به منزله افرادی جداگانه و محقق خاتمه یابد.

میک، پژوهشی در نظریه ارزش-کار، ۲۹۴.

۳۱. نظر مارکس درباره تبدیل اجتناب‌ناپذیر سرمایه‌داری به سوسیالیسم بدین فرض وابسته است که مفهوم برابری انسانی آنقدر نیرومند خواهد بود که بتواند بر نابرابری‌هایی که به وسیله خرید و فروش نیروی کار ایجاد شده است، غلبه کند. میک، پژوهشی در نظریه ارزش-کار، ۱۳۸۳.

32. Proletariat.

۳۳. نمازی، نظام‌های اقتصادی، ۸۲.

۳۴. میک، پژوهشی در نظریه ارزش-کار، ۱۶۰-۱۶۱.

۳۵. نیل جی اسملس، جامعه‌شناسی اقتصادی، ترجمه محسن کلاهیچی (تهران: کویر، ۱۳۷۶)، ۸۶.

36. Plus-value.

۳۷. کارل مارکس و فردریک انگلس، نقد برنامه‌گوتسا و دونامه، ترجمه م. رازی ([بسی‌جا]: ۱۳۸۳)، ۱۸.

<http://www.javaan.net/nashr.htm>

نیز معتقد بود سرمایه‌داران برای اینکه مزد کارگران بالاتر نرود، همیشه و همه جا، در یک توافق ضمنی، ولی دائمی و متحد قرار دارند.<sup>۳۸</sup> مشاهدات مارکس او را به این نتیجه رهنمون کرد که این نوع مالکیت غیرعادلانه، ناشی از مالکیت ابزار تولید است و اشتراک ابزار تولید می‌تواند مانع استثمار کارگران شده و ارزش واقعی کار را به آنها اعطا کند؛<sup>۳۹</sup> و الاً موقعیت برتر صاحبان سرمایه (ابزار کار و زمین)، به همراه افزایش زمان کار، افزایش سرعت ماشین‌آلات و جایگزینی ماشین به جای نیروی کار، باعث تداوم استثمار می‌گردد. به علاوه، موقعیت سرمایه‌دار از طریق حوزه سیاست با وضع قوانین و سرکوب اعتراضات کارگری، تقویت می‌شود.<sup>۴۰</sup> البته رشد سرمایه‌داری صنعتی، شکاف میان اقلیت ثروتمند و اکثریت فقیر را افزایش داده و سبب انباشت فقر، رنج کار، بردگی، عدم آموزش، بی‌رحمی، انحطاط اخلاق و ... شده و این امر در نهایت سبب نابودی نظام سرمایه‌داری می‌گردد.<sup>۴۱</sup> بنابراین، تضاد طبقاتی در نظام سرمایه‌داری خالص، رخدادی طبیعی است که جایش را در آینده به سوسیالیسم و کمونیسم داده و طبقات از بین می‌رود و مالکیت اشتراکی و نظامی مساوات‌گرا همراه با مشارکت آحاد مردم ایجاد می‌گردد.<sup>۴۲</sup> البته منظور مارکس محو کامل همه نابرابری‌ها نبود. از این رو، در سیستم سوسیالیستی تفاوت‌ها پذیرفته شد و کشورهای سوسیالیستی به اعضای حزب حاکم و همچنین به متخصصین و افراد ماهر، مزدی بیشتر (تا دو برابر کارگران ساده) پرداخت می‌کردند.<sup>۴۳</sup>

مارکس برخلاف هگل، کار را هویت‌سازِ تکامل انسان می‌دانست و آن را شرط همه فعالیت‌های معنوی انسان برمی‌شمرد، اما «تقسیم کار» را سبب بیگانگی انسان از کارش می‌دانست.<sup>۴۴</sup> در عمل گرچه بیشتر کارگران صنعتی سهم قابل ملاحظه‌ای در تولید دارند، در توزیع آن نقشی ندارند. کارگران با افزایش تولید، وضعیت زیر استثمار بودن خود را تثبیت می‌کنند. به بیان دیگر، کارگر با ایجاد ثروت بیشتر، بر فقرش می‌افزود و محصول تولیدی به‌مثابه چیزی مستقل از کارگر است؛<sup>۴۵</sup> همچنین فرآیند تولید به اجزایی بی‌روح و وظایف کاری، اموری روزمره و بی‌پاداش تلقی شده و با سلطه روابط پولی بر روابط اجتماعی، از هم

۳۸. آدام اسمیت، *ثروت ملل*، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده (تهران: پیام، ۱۳۷۵).

۳۹. عراقی، *دوره حقوق کار*، ۱: ۴۲.

۴۰. اسملسر، *جامعه‌شناسی اقتصادی*، ۶۶.

۴۱. کارل مارکس، *سرمایه*، ترجمه ایرج اسکندری، تصحیح: عزیزالله علیزاده، چاپ ۳ (تهران: فردوس، ۱۳۸۳)، ۶۴۵.

۴۲. آنتونی گیدنز، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری (تهران: نشر نی، ۱۳۸۷)، ۲۴۸ و ۷۵۲.

۴۳. رزمی، *مقدمه‌ای بر نظام‌های اقتصادی*، ۱۵۵.

۴۴. جیمز رابرتسون، *آینده کار*، ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد (تهران: نشر نی، ۱۳۷۸)، ۱۱۴.

۴۵. میک، *پژوهشی در نظریه ارزش-کار*، ۱۷۹.



بیگانگی اجتماعی رواج می‌یابد. کار ماهیتی غیرخلاق یافته و محتاج تفکر نیست.<sup>۴۶</sup> در چنین شرایطی رهبران کارگری، سرمایه‌داران را در پناه متولیان سنت، قانون، دین و انضباط دیده و با آنها دشمنی می‌ورزیدند و گمان می‌کردند که برای پیروزی بر طرف مقابل، نوامیس طبیعت را باید زیر پا گذاشت.<sup>۴۷</sup>

بعد از انقلاب صنعتی و با شکل‌گیری روابط کار جدید در قرن نوزدهم، با وضع قوانین حداقل مزد، تعیین ساعات کار روزانه، تعیین حق بیمه، بازنشستگی و تعطیلات رسمی، موضوع مزد آهین عملاً از کار افتاده بود و مزد تنها بر اساس قانون عرضه و تقاضا تعیین نمی‌شد.<sup>۴۸</sup> با شکل‌گیری طبقه متوسط، نیروی کار کوچک‌تر شد و پیشگویی مارکس برای تحقق و هدایت انقلاب کارگری با شکست مواجه گردید.<sup>۴۹</sup> با گسترش تأمین اجتماعی، مالیات‌ستانی و شرکت‌های سهامی و سهام‌دار شدن کارگران از یک طرف و تضمین حقوق اولیه کارگران و تقویت اقتصاد دانش‌بنیان و اهمیت دادن به عامل تولید مبتنی بر دانایی، بهبود بهره‌وری عوامل تولید، کنترل موالید، قوانین ضد تراست و انحصار و رشد شرکت‌ها و بنگاه‌های کوچک و... از طرف دیگر، کوشش شد تا این تضاد تاریخی تعدیل شده و طبقه متوسط گسترش یابد.

در شوروی سابق، بر اساس اندیشه‌های مارکس مالکیت خصوصی بر عمده کارخانه‌ها و بخش عظیمی از اراضی کشاورزی باطل و به مالکیت دولتی یا عمومی تبدیل گردید؛ همچنین واحد پول، باطل و به جایش واحد کار «ترود»<sup>۵۰</sup> (کار و زحمت) که نشان‌دهنده میزان کار لازم برای تولید کالا بود، استفاده شد. افراد نیز بر اساس میزان کار انجام‌داده، رسید ترود دریافت می‌نمودند. در نتیجه، سازوکار بازار در تعیین قیمت کالا و مزد کنار گذاشته شد.<sup>۵۱</sup> این رویه در سایر کشورهای سوسیالیستی نیز تا حد زیادی انجام گرفت. این تغییر در «سیاست پرداخت مزد» نشان داد که انگیزه‌های روان‌شناختی و اجتماعی فوق‌الذکر کنار گذاشته شد؛ زیرا اختلاف بین نیازها و درآمد (کالای) دریافتی احساس می‌شد، اما در اقتصادهای متکی به بازار، افزایش یا فشار احتیاجات، سازمان‌های صنفی را مجاب به درخواست اضافه مزد می‌کرد.<sup>۵۲</sup>

۴۶. توسلی، جامعه‌شناسی کار و شغل، ۹۵.

۴۷. مهدی بازرگان، مجموعه آثار، کار در ایران، چاپ ۱، جلد ۸ (تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷)، ۶۳.

۴۸. سیروس فخری، نظام روابط کار (تهران: انتشارات آن، ۱۳۸۲)، ۲۸.

۴۹. گیدنز، جامعه‌شناسی، ۵۵۹-۵۶۰.

50. Troud.

۵۱. نمازی، نظام‌های اقتصادی ۲۱۲-۲۱۳.

۵۲. توسلی، جامعه‌شناسی کار و شغل، ۲۳.

برخلاف نظر مارکس یا امثال شومپتر، نظام سوسیالیستی قبل از آنکه تفوق یابد، فروپاشید و زمینه بی‌پروا شدن نظام سرمایه‌داری را در قرن گذشته فراهم نمود تا در جهت تحقق اهدافش با سرعت بیشتری مزد واقعی و سهم نیروی کار را کاهش دهد.<sup>۵۳</sup> مثلاً، در آمریکا، مزد در سال ۱۹۶۴ مبلغ ۳۰۲ دلار بوده و به ۳۳۱ دلار در سال ۱۹۷۳ افزایش یافته بود و در سال ۲۰۰۴ به ۲۷۷ دلار کاهش یافت که حاکی از بدتر شدن توزیع درآمد است.

### ۳. کار و تعیین مزد بر اساس آموزه‌های اسلام

در قرآن کریم، زندگی ابناء بشر توأم با دشواری بوده و کسب کمال و ملاقات حق با تلاش میسر است.<sup>۵۴</sup> رهبانیت و تبلی حتی به بهانه‌های معنوی در اسلام پذیرفته نیست و هیچ امری بیش از احتیاج ذلت‌آور نیست؛<sup>۵۵</sup> همچنین احادیث نبوی (ص) کار و کوشش را مقدس شمرده است.<sup>۵۶</sup> نظارت خداوند بر اعمال انسان‌ها سبب دقت و محکم‌کاری می‌شود<sup>۵۷</sup> همه انسان‌ها متناسب با کردار و نیت از مرتبت و درجات برخوردار می‌گردند.<sup>۵۸</sup> در این آیه و آیات دیگر برخورداری مادی و معنوی افراد و اقوام، تنها وابسته به تلاش آنهاست<sup>۵۹</sup> و کسی پیامد و مجازات گناه دیگری را متحمل نمی‌شود.<sup>۶۰</sup> هرکس به سبب آنچه کسب کرده پاداش یابد.<sup>۶۱</sup>

در روایات، عبادت به هفتاد بخش تقسیم شده که برترین آن کسب رزق حلال است؛<sup>۶۲</sup> همچنین خدای سبحان از خواب زیاد و بیکاری طولانی متنفر است.<sup>۶۳</sup> از این رو، اولیای الهی با وجود فعالیت پیوسته در مبارزه با کفر و ظلم، تربیت و اداره امت، هرگز به خرج دیگران زندگی نکردند. آنها اخذ صدقه را حرام می‌دانستند و با کشاورزی، دامداری، پیشه‌وری یا تجارت و مشاغل حلال دیگر، معاش خود را تأمین می‌نمودند.<sup>۶۴</sup>

۵۳. نمازی، نظام‌های اقتصادی، ۳۸۶.

۵۴. انشقاق، آیه ۶.

۵۵. سید ابراهیم حسین شاذلی قطب، عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه علی گرامی و هادی خسروشاهی (تهران: کلبه شروق، ۱۳۷۹)، ۸۴.

۵۶. سید قطب، عدالت اجتماعی در اسلام، ۱۸۹.

۵۷. ملک، آیه ۱۳؛ توبه، آیه ۱۰۵.

۵۸. انعام، آیه ۱۳۲.

۵۹. نجم، آیه ۳۹.

۶۰. اسراء، آیه ۱۵.

۶۱. جائیه، آیه ۲۲.

۶۲. ابوجعفر محمدبن علی الصدوق، معانی الاخبار، تصحیح: علی‌اکبر الغفاری (قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱).

۶۳. محمدبن الحسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، العدد ۲۰ (تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۳ ه.ق)، ۳۶.

۶۴. بازرگان، مجموعه آثار، کار در ایران، ۸۹؛ مجید رضائی، «عرضه نیروی کار بر مبنای اصول حاکم بر بازار کار اسلامی» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید، ۱۳۷۷)، ۵۵.

در خصوص رعایت کیفیت کار، پیامبر (ص) در زمان دفن فرزندشان ابراهیم، شکاف در قبر را با دست اصلاح نموده و فرمودند: هرگاه کاری انجام می‌دهید آن را کامل و استوار انجام دهید.<sup>۶۵</sup> همچنین در روایتی دیگر فرمودند: «... ولی خداوند متعال بنده‌ای را دوست دارد که هرگاه کاری انجام می‌دهد آن را مستحکم و کامل به‌جا آورد».<sup>۶۶</sup> از این رو، این نحوه انجام کار، عمل صالح بوده و در نزد خدای متعال از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و لازم است هنگام پرداخت حق الزحمه به این مشخصات برجسته فعل و فاعل توجه نمود؛ یعنی برای تحقق عدالت و انصاف بین کار و مزد، تناسب بین کار و سرمایه و ضمانت حد معقول سطح زندگی انسان رعایت گردد.<sup>۶۷</sup>

از بیان خواجه نصیر و فارابی نیز استفاده می‌شود که رعایت شرایط انسانی کار و تشویق انسان به کوشش بیشتر لازم است. همچنین دریافت بیشتر یا کمتر از استحقاق ظلم یا انظلام و ناپسند است.<sup>۶۸</sup> یکی از اصول مهم در هر قراردادی، وجود رضایت طرفین است<sup>۶۹</sup> و مبادله از روی اکراه و اجبار باطل است؛ ولی کارگری که برای شرایط محیطی، اقتصادی و غیر آن چاره‌ای جز کار با دستمزد کمتر ندارد، مضطر تلقی می‌شود و در فقه این نوع معامله اضطراری باطل نیست، اما حکومت اسلامی در چهارچوب فقه المصلحه باید این شرایط اضطرار را نیز برطرف کند.<sup>۷۰</sup>

پیامبر اسلام (ص) در مورد بردگان مملوک می‌فرمودند: «بردگان، برادران شما هستند که خداوند زیردستان قرار داده است. هرکس که برادرش تحت امر اوست، باید از آنچه می‌خورد به او بخوراند و از آنچه می‌پوشد به او بپوشاند و بر کار فوق طاقت او را مکلف نسازد، مگر اینکه او را یاری دهد».<sup>۷۱</sup> با عنایت به این احادیث، توصیه برای کارگران کمتر از بردگان نیست. پس بی‌تردید از کارگر آزاد حتی در شرایط مازاد عرضه و انحصار در خرید، نمی‌توان کار سخت طلب نمود و به‌صرف قدرت چانه‌زنی، کارفرما نمی‌تواند از مزد عادلانه و امکانات

۶۵. محمدبن یعقوب الكلینی، الکافی، العدد ۳ (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳) ۲۶۲.

۶۶. الحر العاملی، وسائل الشیعه، ۲: ۸۸۳؛ رضائی، «عرضه نیروی کار بر اساس اصول حاکم بر بازار کار اسلامی»، ۲۳-۲۴.

۶۷. سید قطب، عدالت اجتماعی در اسلام، ۱۹۰، ۲۸۶ و ۳۴۹.

۶۸. سید قطب، عدالت اجتماعی در اسلام، ۲۱۱؛ ابونصر فارابی، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه جعفر سجادی (تهران: طهوری، ۱۳۶۱)، ۳۲۹.

۶۹. نساء، آیه ۲۹.

۷۰. رضائی، «عرضه نیروی کار بر اساس اصول حاکم بر بازار کار اسلامی»، ۴۵.

۷۱. اخوانکم جعلهم الله تحت ایدیکم، فمن کان اخوه تحت یدیه فلیطعمه مما تأکل و لیکسبه مما تلبس و لا یكلفه ما یغلبه فان کلفه ما یغلبه فلیعنه.

رفاهی آنان بکاهد؛<sup>۷۲</sup> همچنین امام رضا (ع) در مورد غلامی سیاه‌پوست که بدون تعیین مزد مشغول کار بود، فرمودند: چندین بار به آنها (کارگزاران) گفته‌ام بدون تعیین مزد، کسی را به کار نگیرند...<sup>۷۳</sup> یعنی باید پیش از آغاز کار، نحوه جبران خدمات و پرداخت مزد به کارگر مشخص شود. بنابر مباحث گذشته، اسلام برای سامان‌بخشی به همه نوع فعالیت‌ها از جمله در بازار کار، علاوه بر آموزه‌های ارزشی و هنجاری، قواعد فقهی و حقوقی مهمی را نیز ارائه نموده که ذیلاً مهم‌ترین آنها بیان می‌شود:

۱. قاعده لاضرر: کارگر از هرگونه اضرار به اموال کارفرما خودداری نموده و کارفرما نیز نباید به اضرار نیروی کار اقدامی انجام دهد؛ یعنی قراردادهای کار نباید متضمن ضرر و اضرار باشد؛
۲. قاعده اتلاف: کارفرما از در اختیار گرفتن وقت نیروی کار بدون پرداخت مزد اجتناب کند. کارگر نیز در زمان اشتغال نباید به فعالیت دیگری بپردازد؛
۳. قاعده احترام عمل و مال: جدای از اینکه کار و فعالیت متعلق به کارفرما یا کارگر است، دارای احترام است؛
۴. قاعده ائتمان: کارگر امین شمرده شده و نسبت به اتلاف امانتی در اختیارش قرار می‌گیرد، ضامن نیست؛
۵. قاعده المؤمنون عند شروطهم: یعنی شروط و پیمان‌های مابین آنها لازم‌الاجراست؛
۶. قاعده نفی عسر و حرج (مشقت): کسی بیش از توانایی‌اش مکلف به کار و تکلیفی نیست.<sup>۷۴</sup> از این رو، هر شرطی که اجرای آن برای کارگر مشقت فوق‌العاده به همراه داشته باشد، اعتبار ندارد؛<sup>۷۵</sup>
۷. قاعده عدم اکراه: اگر قراردادی از روی اکراه تنظیم شود، صحیح نیست؛
۸. قاعده اضطرار: اگر کارگر چاره‌ای به جز کار با مزد کم ندارد، مضطر تلقی شده و سوءاستفاده از این شرایط مورد نهی واقع شده است؛

۷۲. رضائی، «عرضه نیروی کار بر اساس اصول حاکم بر بازار کار اسلامی»، ۳۹.

۷۳. الحر العاملی، وسائل الشیعه، ۱۳: ۲۴۵.

۷۴. بقره، آیات ۱۸۵ و ۲۸۶؛ حج، آیه ۷۸؛ مانند، آیه ۶.

۷۵. مجید رضائی، «آثار برخی قواعد فقهی بر بازار کار»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۸، شماره ۱ (بهار ۱۳۸۴): ۶۳.

سهم‌بری نیروی کار در مکاتب اقتصادی با تأکید بر ... / پاسبانی صومعه و کباء الحسینی ۱۹

۹. حرمت اکل مال به باطل: درآمدهای غیرمشروع شامل رباخواری، سرقت، غصب و معاملات حرام، اکل مال بالباطل بوده و قابل تصرف نیست؛

۱۰. قاعده عدم اسراف: در کردارهای مصرفی و فعالیت‌های تولیدی نباید اسراف صورت گیرد.<sup>۷۶</sup>

۱۱. انحصار به مثابه احتکار: انحصار، اقدامی طولانی مدت بوده که ادله تحریم احتکار شامل آن می‌شود.<sup>۷۷</sup>

به این ترتیب آموزه‌های دین اسلام از طریق گسترش هنجارها و ارزش‌ها و همچنین با تقریر قواعد و مقررات مربوطه، عملکرد بازار کار را سامان‌دهی نموده و زمینه تحقق انصاف همه‌جانبه را از طریق همکاری و تکامل و نه ستیزه و عداوت، فراهم می‌آورد.<sup>۷۸</sup> همچنین با توجه به آیات ۸۵ سوره اعراف و ۱۸۳ سوره شعرا و آیه ۹۰ سوره نحل و دستورات پیامبر اسلام (ص) باید کوشش در تبیین مفهوم مزد منصفانه نمود. از ایشان نقل است که: «ای مردم، هر کس مزد کارگری را کمتر از اندازه بدهد، باید برای رفتن به دوزخ آماده باشد، چراکه به او ستم شده است.<sup>۷۹</sup> تردیدی نیست که مزد متناسب کارگران، امانتی نزد کارفرمایان است تا آن را در اسرع وقت (قبل از خشک شدن عرق پیشانی) به ایشان بازگردانند که ستم کردن بر کارگر و مزدور (کم‌دادن و کوتاهی کردن در مزد او) از گناهان کبیره است.<sup>۸۰</sup>

نتیجه نهایی اینکه از دیدگاه اسلام، کار و بهره‌وری منشأ اصلی مالکیت و معیار اصلی مزد نیروی کار است. همچنین هر کارگری حق دارد از امنیت و سلامت و دیگر تأمین‌های اجتماعی برخوردار باشد و هر کارگری حق دارد در مقابل کاری که انجام می‌دهد، مزد عادلانه دریافت نموده و از مرخصی، پاداش و ترفیعات قانونی استفاده کند؛ ولی در عین حال موظف است در کار خود دقت نماید و کاری را که به او محوّل شده به بهترین شکل انجام دهد و حق کارفرما را مطابق موازین شرع و قانون محترم شمارد.<sup>۸۱</sup>

۷۶. سید کاظم صدر، اقتصاد صدر اسلام (تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷)، ۶۳.

۷۷. صدر، اقتصاد صدر اسلام، ۲۶۰؛ رضانی، «آثار برخی قواعد فقهی بر بازار کار»، ۷۴-۷۹.

۷۸. سید قطب، عدالت اجتماعی در اسلام، ۵۵.

۷۹. محمدرضا الحکیمی، علی الحکیمی، و محمد الحکیمی، الحیات، ترجمه احمد آرام، جلد ۴ (تهران: دفتر نشر فرهنگ

اسلامی، ۱۳۸۸)، ۴۵۶؛ الحکیمی، الحکیمی، و الحکیمی، الحیات، ۵: ۵۴۷.

۸۰. الحکیمی، الحکیمی، و الحکیمی، الحیات، ۴: ۴۵۷.

۸۱. حسین علی منتظری، رساله حقوق (قم: ارغوان دانش، ۱۳۸۵)، ۵۴.

#### ۴. آرای اقتصادی آیت‌الله موسوی اردبیلی<sup>۸۲</sup>

ایشان قوانین و احکام اسلام را دارای انسجام می‌دانستند به نوعی که اخلاقیات، معارف و فروع احکام با هم منسجم و همه متناسب با هم جعل شده‌اند. بر این مبنا تصریح می‌کنند که در مسائل اجتماعی، اقتصادی، معاملات، سیاست‌ها باید ملاک نصوص را به دست آورده و بر اساس آن عمل کنیم. همچنین ایشان، انسان را هم دارای گزینه نفع‌طلبی و هم دارای عقل و انتخاب‌گر دانسته که گاهی انتخابش بر اساس گزینه نفع‌طلبی و گاهی برخلاف گزینه است<sup>۸۳</sup> و هدف آیات قرآن و آموزه‌های اسلام، ارائه روش تحلیل اقتصاد اخلاقی با غرایز نفع‌طلبانه تربیت‌یافته و تعدیل‌شده می‌باشد. بنابراین، نمی‌توان ادعا کرد از نظر اسلام فلان گزینه‌ای که انسان داراست، نباید داشته باشد؛ بلکه گزینه را نباید اجازه طغیان داد که از اعتدال خارج شود. برای نمونه مستحب است هنگامی که فروشنده به اندازه مخارج روزمره اش نفع برد، بقیه کالاهایش را به قیمت خرید (رأس المال) بفروشد. این حکم با گزینه نفع‌طلبی و حداکثرسازی سود ناسازگار است. بی‌تردید این کار امکان‌پذیر نیست، مگر اینکه انسان گزینه نفع‌طلبی خود را تعدیل کند و منافع اجتماعی را در نظر بگیرد. بدین منظور در تبیین نظرات اقتصادی، باید همزمان به مسائل تولید و کار و توزیع عادلانه، منصفانه و انگیزاننده توجه داشت و این دو حوزه از همدیگر قابل تفکیک نیستند.

وی در تحلیل قانون مزدهای آهین لاسال و آرای سوسیالیست‌ها، معتقد بود که این یک قانون طبیعی نیست، بلکه بدین معنا است که این نوع توزیع به صلاح جامعه بوده یا حق اینگونه است؛ یعنی قوانین موضوعه‌ای است که در مقابل قانون طبیعی می‌باشد و این دلیلی است که اقتصاد مانند فیزیک و شیمی تابع قوانین طبیعی نیست و این امر در علوم اجتماعی و انسانی جاری است. از این رو، در تعیین مزد نیروی کار نمی‌توانیم از قانون طبیعی تبعیت کنیم و تاریخ روابط کارگر و کارفرما نشان می‌دهد که این روابط متأثر از عوامل متعدد غیرطبیعی بوده است. مثلاً، در دوران افزارمندی کارفرمایان به سود مختصری بسنده کرده و رابطه کارگر و کارفرما شبیه به رابطه پدر و پسر بود، ولی برخلاف آن دوران که هم تولید و هم مالکیت شخصی بود، در شرایط جدید تولید دسته‌جمعی شده، ولی ساختار مالکیت شخصی همچنان باقی‌مانده که

۸۲. منبع نظرات اقتصادی آن مرحوم، مجموعه تدریس‌های اقتصاد اسلامی ایشان از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱ است که بعد از ارتحال ایشان توسط دفترشان به صورت تایپ‌شده در قالب ۱۲۰ صفحه در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت؛ ضمن اینکه نویسنده خود نیز در آن جلسات درس حضور داشته و دست‌نوشته‌هایی دارم. از این رو، در ارجاع‌دهی، در داخل متن صفحات تایپ شده و در حاشیه شماره جلسه یا نوار ذکر می‌گردد و به منظور رعایت استاندارد ارجاع دهی به صورت: عبدالکریم موسوی اردبیلی، «دروس اقتصادی» (تدریس کلاسی، دانشگاه مفید، قم، ۱۳۷۳). استفاده می‌شود.

۸۳. این دیدگاه توسط اقتصاددانان نیز مورد توجه بوده تا اینکه توسط اقتصاددانان رفتاری تکامل یافت. تالر به واسطه طرح آن موفق به دریافت جایزه نوبل اقتصاد گردید.

فسادآور است. پس مشکل مطروحه ناشی از تحولات بخش تولید بالاخص تولید صنعتی است، ولی راه چاره نظریه مارکس (خروج مالکیت ماشین از مالکیت شخصی) نیست، زیرا نتیجه آن کاهش یا از بین رفتن انگیزه‌های فردی در جهت کاهش تولید و کارایی و در نهایت رکود و بحران خواهد بود<sup>۸۴</sup> و بر فرض صحت، راه‌حل یکتا نیست. ایشان یکی از علل این امر را نحوه ارزش و قیمت کالا می‌داند. ارزش و قیمت به نظرشان به دو گونه قیمت طبیعی و قیمت جاری تعیین می‌شود. قیمت طبیعی مساوی با ارزش مواد اولیه به‌علاوه استهلاک ابزار و هزینه نیروی کار - یا هزینه تولید- است. قیمت جاری نیز تابع عرضه و تقاضا بوده و در آن عواملی مثل زمان، مکان، زیادی و کمی عرضه و تقاضا تأثیرگذار است- که در دانش اقتصاد بدان قیمت بازاری گویند. حال با توجه به این دو نوع قیمت، سهم هر کدام از عوامل تولید چه مقدار می‌باشد؟ آیا می‌توان برای آن قانون و قاعده‌ای وضع کرد؟ مارکس سهم همه عوامل تولید به غیر از کار را منکر بود، اما این تشریح به نظر آیت‌الله از نظر شرعی و اقتصادی قابل قبول نیست. مثلاً، اگر قیمت تمام‌شده پتو (قیمت طبیعی) ۲۰۰ تومان بود و آن را ۲۵۰ فروختیم، آیا گران فروخته‌ایم؟ آیا ۵۰ تومان جزء قیمت است؟ و آیا متعلق به سرمایه یا ابزار تولید و یا نیروی کار است؟ و اگر متعلق به همه است، سهم هر کدام از عوامل تولید چقدر است؟<sup>۸۶</sup>

در فقه بحثی به نام قیمت عادلانه وجود دارد که برای تشخیص آن به میانگین قیمت بازار مراجعه می‌شود. مارکسیست‌ها ارزش کالا را ارزش کار یا نیروی صرف‌شده برای تولید کالا می‌دانستند. آنها همچنین تفاوت ارزش‌ها را با واحد زمان اندازه گرفته و آنچه زمان کار بیشتری برده را ارزشمندتر می‌دانستند. ایشان در نقد این نظریه بر این باور بودند که در بسیاری موارد تفاوت ارزش‌ها به خاطر کیفیت کار است نه کمیت که با زمان سنجیده شود.<sup>۸۷</sup> به‌علاوه اگر ارزش کالا مساوی با قیمت مواد اولیه، استهلاک و نیروی کار باشد، پس ارزش اضافی تولیدشده چگونه و چرا متعلق به نیروی کار است؟ زیرا استدلال برای نیروی کار، برای صاحب ابزار تولید، مواد اولیه، مدیریت و ... قابل تعمیم است.

در نقد اینکه ارزش کالا مساوی کار است، معتقد بود که کار در موارد فراوانی - اعم از کارهای ساده تا کارهای پیچیده- خالق ارزش است، اما عمومیت نداشته و صحیح نیست؛ زیرا معادن بزرگ نفت، گاز، اورانیوم، ... دارای ارزش هستند، بدون اینکه هیچ کاری روی آنها صورت گرفته باشد. همچنین کارهای بسیار و بی‌فایده‌ای وجود دارد که ارزشی ندارد.

۸۴. عبدالکریم موسوی اردبیلی، «دروس اقتصادی» (تدریس کلاسی، دانشگاه مفید، قم، ۱۳۷۳)، ۵-۱۰.

۸۵. موسوی اردبیلی، «دروس اقتصادی»، ۱۳-۲۰.

۸۶. موسوی اردبیلی، «دروس اقتصادی»، ۲۱-۲۳ و ۳۳-۳۸ (نوار شماره ۱۱ و ۱۳ تا ۱۵).

۸۷. مثلاً، ممکن است فردی با یک ساعت کار ۱۰ عدد کالا و دیگری با ۳ ساعت همین تعداد کالا را تولید کند.

از این رو، این قانون عمویت ندارد، زیرا بر اساس قضیه «تتاقض ارزش» میزان ارزش کالا، وابسته به مقدار تأثیر آن در رفع نیاز انسان است.<sup>۸۸</sup> این ارزش گاهی واقعی است و گاهی قراردادی که به مقدار کار انجام شده بر روی آن بستگی ندارد. مثلاً، دارویی که انسان در حال مرگ را نجات می‌دهد، ارزش مصرفی بالایی دارد. گرچه مقدار کار انجام شده، بر ارزش مبادله‌ای کالا مؤثر است، ارزش مبادله‌ای کالا نیز بر اساس ارزش مصرفی تعیین می‌شود؛ اما امری اعتباری بوده و نیروهای عرضه و تقاضا بر آن مؤثرند و خودش اعتباری است و وابسته به مفیدبودن، کم‌بودن و در انحصاربودن است.<sup>۸۹</sup>

ایشان معتقد است که مازاد ارزش به واسطه دست‌کم یک مورد از موارد سه‌گانه: (۱) عادلانه‌نبودن مزد؛ (۲) استثمار مصرف‌کننده و (۳) ماشین، به وجود می‌آید. سهم‌بری صاحب ماشین از فرآیند تولید علی‌الاطلاق صحیح نیست. مثلاً، اگر استفاده از ماشین‌آلات باعث بیکاری خیل عظیمی از مردم گردیده و نوعی انحصار برای صاحب ماشین‌آلات به وجود آورد، این مورد به واسطه استثمار مردود است و به‌صرف این‌که این مورد تحت هیچ عنوان فقهی قرار نمی‌گیرد، نمی‌توان آن را پذیرفت، بلکه آن را می‌توان تحت عنوان اخلاق نظام اجتماعی بشر قرار داد؛<sup>۹۰</sup> یعنی با ایجاد انحصار، دیگران را از حقوق و مزایای قانونی‌شان محروم کند، چراکه همه مردم حق زندگی، فهمیدن، انتخاب کردن و کارکردن را دارند.<sup>۹۱</sup>

مثلاً، در برخورداری از مواهب طبیعی و خداداد گاهی اوقات کمبودی وجود نداشته و استفاده افراد از آنها در تعارض و تزاخم با همدیگر نیست به نحوی که هزینه نهایی هر فرد اضافی مساوی صفر است، اما با کاهش مواهب یا افزایش جمعیت ما با کمبود مواهب و افزایش هزینه نهایی مواجه خواهیم شد که این امر سبب تخصیص استفاده یا در بعضی موارد سبب شکل‌گیری قانون مالکیت می‌گردد. از این رو، عده‌ای که از سرمایه و امکانات و تجهیزات و نفوذ برخوردارند، نمی‌توانند بدون هیچ‌گونه قید و شرطی زمین‌های بسیاری را احیاء کرده و مالک شوند. حتی در زمان پیامبر اکرم (ص) که تقریباً زمین و آب زیاد و جمعیت کم بود، عده‌ای از ممانعت آب از زیر نزد ایشان شکایت کردند. پیامبر (ص) به زیر فرمودند شما مزرعه خود را آبیاری کن و جلوی آب را سد نکن. دلیل این حکم به نظر آیت‌الله

۸۸. اگر کسی در صحرای حجاز آب کسی را تلف کرد، با پس دادن آب در کنار رود فرات از ضمان خارج نمی‌شود و مثلی یا قیمی بودن آب دلیل کاملی نیست؛ زیرا تفاوت زمان و مکان که در ارزش کالا مؤثر است، در ابراء ذمه دخیل است.

۸۹. موسوی اردبیلی، «دروس اقتصادی»، ۲۷-۳۵ (نوار شماره ۱۲ تا ۱۴) و ۹-۵۱ (نوار شماره ۲۰ تا ۲۲).

۹۰. اخلاق نظام معنایش این است که کاری و فعالیتی نظم اجتماع را به هم بزند و دیگر نتوان در جامعه عدالت برقرار کرد. تضاد در جامعه به وجود می‌آید.

۹۱. موسوی اردبیلی، «دروس اقتصادی»، ۴۲-۴۵ (نوار شماره ۱۶).



اردبیلی قاعده کلی استفاده افراد انسان از مواهب خداداد طبیعی است که قرآن در آیات فراوانی بدان تصریح نموده و فطرت و ارتکاز عقل نیز آن را تأیید می‌کند. از این رو، بنابر نظر ایشان، سبقت در استفاده یا تحجیر یا هر اقدام دیگر سبب مالکیت نمی‌گردد.

نکته مهم در نظر ایشان، اهمیت جامعه و نگاه بلندمدت به جامعه و نظم آن است. ایشان جامعه را مثل دیواری نمی‌دانست که فروریختن و ساخت مجدد آن زمان و هزینه کمی داشته و ملاک اخلال در نظام اجتماعی را فروپاشی جامعه و یا به خطر افتادن زندگی بیشتر افراد جامعه را نمی‌داند؛ بلکه جامعه سالم جامعه‌ای است که افرادی آن در سایه عدالت اجتماعی زندگی مقبولی داشته باشند. این معنا مستلزم آن است که هر آنچه مانع دستیابی به یک نظام ایده‌آل است، آن را مخّل به نظام بدانیم و موانع را برطرف سازیم.<sup>۹۲</sup> آنچه شرعاً ممنوع است از بین رفتن عدالت و دوقطبی و استثمار است. با اشاره به آیات ۱۱ تا ۱۶ از سوره بلد می‌فرماید: «اگر شما خاک‌نشین، برده و تهیدست دارید، اقتحام عقبه نکرده‌اید. یعنی برای رسیدن به تکامل و ایمان از گذشته‌ها نگذرشته‌اید؛ چراکه در بیان خداوند داشتن تهی‌دست و فقیر و بی‌سرپرست که دستش به جایی نرسد، برخلاف مسیر یک جامعه ایده‌آل است».<sup>۹۳</sup>

پس در باب ارزش و قیمت‌گذاری کالا، واسطه‌گری‌های صوری بر اساس اطلاعات نامتقارن تنها سبب افزایش تعداد مبادلات و افزایش قیمت می‌شوند، این کار هیچگونه توجیهی ندارد و ملاکاً مثل ربا است؛ چراکه عرف، معامله‌ای که هیچ فایده‌ای به جز افزایش قیمت بازاری کالا بر آن مترتب نیست را مردود و باطل می‌داند، زیرا «باطل»، حقیقت شرعی و حقیقت متشرعه نداشته و معنایش عرفی است و چون سبب ضرر به مردم است، آیه (لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل) آن را شامل می‌شود. البته اگر واسطه‌گری، خدمت و تسهیل امور مردم تلقی شود، اشکال ندارد چون بر اساس قضاوت عرف خدمت و تسهیل امور جامعه است.<sup>۹۴</sup> بنابراین، ملاک در تعیین قیمت کالا، قیمت طبیعی کالا (هزینه تولید) است که سود صاحبان سرمایه در فرآیند تولید و مبادله بدان اضافه می‌گردد، اما مشروط بر اینکه در مبادله، خدمات و تسهیلی وجود داشته باشد. اما صرف مبادله که از آن تعبیر به مبادله تورم‌زا شد، فایده اقتصادی نداشته و از نظر شرعی نیز معامله ضرری و غرری بوده و اکل مال به باطل است.

۹۲. موسوی اردبیلی، «دروس اقتصادی»، ۵۳-۵۸ (نوار شماره ۲۱).

۹۳. موسوی اردبیلی، «دروس اقتصادی»، ۶۲ (نوار شماره ۲۲).

۹۴. موسوی اردبیلی، «دروس اقتصادی»، ۳۴.

## ۵. نتیجه‌گیری

یکی از ویژگی‌های مشترک جامعه بشری نیروی کار بودن همه انبای بشر در سطحی خاص است و همگی به نوعی با کارفرمایانی بالاتر از خود مواجه‌اند و طبیعتاً دوست دارند تا بر اساس عدل و انصاف با آنان رفتار شود. در دوره برده‌داری، مزد، تأمین خدمات اساسی برده بود تا توان کار برایش باقی بماند. در دوره فئودالیت، با مشارکت در محصول و حمایت ارباب در مواقع نیاز، وضع نیروی کار بهتر شد. همچنین وجود نوعی قانون الهی، اخلاقی و عینی بر روابط اقتصادی، جزء باور عمومی بود، اما مبنای نظریه قیمت در اقتصاد کلاسیک بر مفاهیمی مثل عرضه و تقاضا و مطلوبیت نهایی استوار است که در صورت عرضه با کشش بی‌نهایت نیروی کار، مزد اجحافی حداقلی (مزد آهنین) به نیروی کارگر پرداخت شده، در نتیجه هزینه‌های بنگاه حداقل و سود آن حداکثر و زمینه برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بیشتر، فراهم می‌شود که سبب تحقق تضاد لاعلاج بین بهبود توزیع درآمد و افزایش کارایی و بهره‌وری می‌گردد. نتیجه نهایی این نگرش، گسترش و تعمیق تضاد میان خیل کارگران و کارفرمایان و اتلاف منابع محدود است.

مارکس بر اساس منطق دیالکتیک کوشید تا نظام سرمایه‌داری را به نیروی نافی خود معرفی نماید. بر اساس نظریه «ارزش کار»، کار تنها ملاک ارزش‌هاست و وجه اشتراک کالاها و دارایی‌ها بوده و از این رو این ارزش اضافی ایجاد شده می‌بایست در مرحله سوسیالیسم به مولد آن (نیروی کار) و در مرحله کمونیسم به نیازمند برگردد. به نظر مارکس توزیع ناعادلانه ارزش، ناشی از مالکیت ابزار تولید بوده و مالکیت عمومی وسایل تولید می‌تواند مانع استثمار کارگران گردد. صرف‌نظر از نقدهای مبنایی به نظریه مارکس، این اندیشه در عمل نیز با چالش‌های جدی مواجه گشت. مثلاً، قبل از تفوق، فروپاشید و نتوانست شمه‌ای از آنچه را که در نوشتار و گفتار ارائه شد، به منصف ظهور برساند. در دین اسلام کار و نیروی کار ارزشمند بوده و برای سامان‌بخشی به آن و بازار کار، علاوه بر آموزه‌های ارزشی و هنجاری، قوانین و قواعد حقوقی و فقهی مهمی را ارائه نموده است. استقرآء ادله دینی در مورد «مزد به اندازه»، مزد معادل با تلاش کارگر در تولید و به اندازه رفع نیازهای اساسی کارگر را مزدی منطبق بر انصاف معرفی می‌کند.

آیت‌الله اردبیلی معتقدند آیات قرآن و آموزه‌های اسلام درصدد ارائه روش تحلیل اقتصاد اخلاقی با غرایز نفع‌طلبانه تربیت‌یافته و تعدیل شده می‌باشد. همچنین در توزیع، قانون طبیعی وجود ندارد، بلکه متأثر از ارزش‌هاست. از این رو، نظریه مارکس منجر به کاهش یا از بین رفتن انگیزه‌های فردی و عدم کارایی و رکود خواهد شد و قیمت میانگین بازار را قیمت عادلانه

می‌داند. همچنین زمان نمی‌تواند تعیین‌کننده ارزش و قیمت کالا باشد، زیرا خبرویت کارگر در ارزش کالا، نقش‌آفرین است. همچنین ارزش کالاهای معدنی و مباحات عامه وابسته به نیروی کار نیست. نقد دیگر، ذی‌حق بودن صاحبان دیگر عوامل تولید است. در نظر ایشان ارزش و قیمت به دو گونه قیمت طبیعی (هزینه تولید) و قیمت جاری (هزینه تولید) تعیین می‌شوند. مارکس به هزینه طبیعی و کلاسیک‌ها به قیمت جاری توجه داشتند و این یکی از منشأهای اختلاف بوده و سهم‌بری ارزش مازاد بین این دو منشأ دیگر اختلاف می‌باشد؛ ولی به نظر ایشان ارزش مازاد، به واسطه دست‌کم یک مورد از موارد سه‌گانه: (۱) عادلانه‌نبودن مزد؛ (۲) استثمار مصرف‌کننده و (۳) ماشین، به وجود می‌آید. نکته مهم و محوری در موارد فوق، عنوان اخلال نظام اجتماعی بشر است که ملاک قضاوت در سه مورد فوق است. ملاک اخلال در نظام اجتماعی، فروپاشی جامعه نیست، بلکه جامعه‌ای است که افراد آن در سایه عدالت اجتماعی زندگی مقبولی داشته باشند. بنابراین، به نظر آن مرحوم ملاک تعیین قیمت کالا، قیمت طبیعی کالا (هزینه تولید) است که سود صاحبان سرمایه تولید و مبادله بدان اضافه می‌گردد، اما مشروط به اینکه در مبادله، خدمات و تسهیل عمومی یا خصوصی وجود داشته باشد.

## سیاهه منابع

### الف- منابع فارسی:

- اسملسر، نیل جی. *جامعه‌شناسی اقتصادی*. ترجمه محسن کلاهچی. تهران: کویر، ۱۳۷۶.
- اسمیت، آدام. *ثروت ملل*. ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده. تهران: پیام، ۱۳۵۷.
- اولسن، منسر. *دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی*. ترجمه حسین راغفر. تهران: انتشارات نقش و نگار، ۱۳۸۲.
- بازرگان، مهدی. *مجموعه آثار، کار در ایران*. چاپ ۱، جلد ۸، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸.
- بلانت، ردان، و مارک جکسون. *اقتصاد کار و نیروی انسانی*. ترجمه محسن رنانی. تهران: انتشارات فلاح ایران، ۱۳۷۳.
- بلخی، جلال‌الدین محمد رومی. *مثنوی معنوی*. دفتر دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
- پاسبانی صومعه، ابوالفضل. «تحلیلی بر مزد منصفانه» رساله دکتری، دانشگاه مفید، ۱۳۹۱.
- تارو، لستر. *آینده سرمایه‌داری*. ترجمه عزیز کیاوند. تهران: دیدار، ۱۳۷۶.
- تمدن جهرمی، محمدحسین. *درسنامه تاریخ عقاید اقتصادی*. تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۶۲.
- تمدن جهرمی، محمدحسین. *پیمان‌های دسته‌جمعی کار (بررسی تطبیقی حقوق فرانسه و انگلیس)*، منتشر نشده، ۱۳۴۵.
- توسلی، غلام‌عباس. *جامعه‌شناسی کار و شغل*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۵.
- رابرتسون، جیمز. *آینده کار*. ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد. تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
- الحکیمی، محمدرضا، علی‌الحکیمی، و محمد الحکیمی. *الحیات*. ترجمه احمد آرام. جلد ۴ و ۵. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸.
- دادگر، یدالله. *تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی*. قم: انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۳.
- رزمی، سید علی‌اکبر. *مقدمه‌ای بر نظام‌های اقتصادی*. مشهد: به نشر، ۱۳۸۷.
- رضائی، مجید. «عرضه نیروی کار بر اساس اصول حاکم بر بازار کار اسلامی» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید، ۱۳۷۷.
- رضائی، مجید. «آثار برخی قواعد فقهی بر بازار کار»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۸ (بهار ۱۳۸۴): ۶۳-۸۷.
- سید قطب، ابراهیم، و حسین شاذلی. *عدالت اجتماعی در اسلام*. ترجمه علی گرامی و هادی خسروشاهی. تهران: کلبه شروق، ۱۳۷۹.
- صدر، سید کاظم. *اقتصاد صدر اسلام*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.

سهم‌بری نیروی کار در مکاتب اقتصادی با تأکید بر ... / پاسبانی صومعه و کیا‌الحسینی ۲۷

- الصدوق، محمدبن علی. معانی الاخبار. تصحیح: علی اکبر غفاری. قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
- عراقی، عزت‌الله. دوره حقوق کار. جلد ۱، تهران: دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۶.
- فارابی، ابونصر. اندیشه‌های اهل مدینه فاضله. ترجمه جعفر سجادی. تهران: طهوری، ۱۳۶۱.
- فخری، سیروس. نظام روابط کار. تهران: انتشارات آن، ۱۳۸۲.
- کوهن، جرال آلن. نظریه تاریخ مارکس. ترجمه محمود راسخ افشار. تهران: اختران، ۱۳۸۷.
- گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.
- مارکس، کارل. سرمایه. ترجمه ایرج اسکندری. تصحیح: عزیزالله علیزاده. چاپ ۳، تهران: فردوس، ۱۳۸۳.
- مارکس، کارل، و فردریک انگلس. نقد برنامه گوتا و دو نامه. ترجمه م. رازی. [بی‌جا]: ۱۳۸۳.
- <http://www.javaan.net/nashr.htm>
- منتظری، حسینعلی. رساله حقوق. قم: ارغوان دانش، ۱۳۸۵.
- موسوی اردبیلی. سید عبدالکریم. «دروس اقتصادی». تدریس کلاسی، دانشگاه مفید، قم، ۱۳۷۳.
- میردال، گونار. عینیت در پژوهش‌های اجتماعی. ترجمه مجید روشنگر. تهران: مروارید، ۱۳۸۲.
- میک، رونالد. پژوهشی در نظریه ارزش-کار. ترجمه محمدرضا سوداگر. تهران: بدیهه، ۱۳۸۳.
- نمازی، حسین. نظام‌های اقتصادی. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.
- نورث، داگلاس سی. نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی. ترجمه محمدرضا معینی. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۵.
- والزر، مایکل. حوزه‌های عدالت. ترجمه صالح نجفی. تهران: ثالث، ۱۳۸۹.

ب- منابع عربی:

- الحر العاملی، محمدبن الحسن. وسائل الشیعه. العدد ۲۰، تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۳ه.ق
- الکلبینی، محمدبن یعقوب. الکافی. العدد ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.

ج- منابع لاتین:

- Hodgson, Geoffrey M. "The Approach of Institutional Economics." *Journal of Economic Literature* 36, no. 1 (Mar 1998):166-192.
- Layard, Richard, and Alan Arthur Walters. *Microeconomics Theory*. New York: McGraw-Hill, 1987.